النمل الصغار تتوهم أن لله تعالى زبانتين

شیخ بهائی در کشکول می‌فرمایند که این حدیث کمر اولیاء اللّه را می‌شکند: «و لعل النمل الصغار تتوهم أن للّه تعالى زبانتين كما لها»[1]؛ موروچه‌ها می‌گویند محال است که خداوند بتواند بدون دو شاخک عالم را اداره کند. خب، معلوم است او می‌بیند اگر شاخک نداشته باشد، نمی‌تواند کاری کند. شیخ بهائی فرمودند: این حدیث کمر را می‌شکند؛ چون هر کسی به آن درک نفس الامری رسیده باشد، دستگاهش دستگاه خوبی می‌شود؛ «سُبْحَنَ اللّهِ عَمَّا يَصِفُونَ، إِلَّا عِبَادَ اللهِ الْمُخْلَصِينَ»[2]. اما وقتی نرسیده است، از تشبیه بریء نیست. در هر مفهومی راجع به خداوند متعال تصور می‌کند، یک جوری خداوند را پایین می‌آورد و مطابق با درکی که از آن مفهوم دارد، یک جوری تشبیه می‌کند. خیلی سخت است که بتواند درک درستی داشته باشد. لذا وهم می‌خواهد احاطه پیدا بکند؛ احاطه درکی. حضرت علیه السلام می‌فرمایند: خداوند طوری است که تا وهم می‌خواهد با انس خودش و با احاطه مدرَک را درک کند، متحیر می‌شود و لذا اضافه اشراقیه همین احاطه است. هر مدرَک نفس که اضافه اشراقیه به نفس دارد، نفس بر آن محیط است. این قاعده کلی است برهانش هم برای کسانی که مستحضر هستند، واضح است. محال است نفس یک چیزی را به اضافه اشراقیه درک کند، ولی به آن اضافه اشراقیه خودش احاطه نداشته باشد. به خلاف آن جایی که نفس چیزی را به فناء درک می‌کند. آن جا اصلاً ریختش اضافه اشراقیه نیست. آن ریختش طوری دیگری است که با احاطه فرق می‌کند.

«و تحيرت الأوهام عن إحاطة ذكر أزليته»؛ اوهامی که می‌خواهند احاطه پیدا کنند، از این احاطه، متحیر می‌شوند. یعنی جا جایی است که محال است چنین احاطه‌ای پیدا کند.

---

[1]. شيخ بهايي، الكشكول، ج ۲، ص ۹۳.

[2]. الصافات، آیات ۱۵۹ و ۱۶۰.

بازبینی #1
ایجاد شده 25 ژانویه 2025 16:10:53 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 ژانویه 2025 16:11:59 توسط ... .